



روایت علامه طهرانی از حمله وهابی ها به قبور امامان بقیع

آه چه شهر غریب و مهجوری است مدینه؟ مدینه که هر وجب آن حکایت از علم و عرفان و قضاء و درایت و ولایت و حماسه و ایثار یگانه حامی رسول الله(ص)، حضرت امیرالمؤمنین(ع) دارد امروز تاریک و غریب است. نام مخالفان هر جا برده می شود؛ ولی نام علی، قاجاق است!

آه چه شهر غریب و مهجوری است مدینه؟ مدینه که هر وجب آن حکایت از علم و عرفان و قضاء و درایت و ولایت و حماسه و ایثار یگانه حامی رسول الله(ص)، حضرت امیرالمؤمنین(ع) دارد امروز تاریک و غریب است. نام مخالفان هر جا برده می شود؛ ولی نام علی، قاجاق است!

مرحوم علامه آیت الله سیدمحمد حسینی طهرانی در مجلد یازدهم کتاب شریف امام شناسی تخریب قبور ائمه بقیع پس از حمله وهابی ها به کربلا را چنین توصیف می کند که برگزیده آن نوشتار ذیلا می آید:

در روز هشتم ماه شوال سنه یک هزار و سیصد و چهل و پنج هجری قمری، تمام بقاع متبرکه و مشاهد مشرفه ائمه بقیع: حضرت امام حسن مجتبی و حضرت امام زین العابدین و حضرت امام محمد باقر و حضرت امام جعفر صادق(علیهم السلام) را با بقیه بقاع از قبور دختران رسول الله، زینب و ام کلثوم و رقیه و قبور عمه های رسول الله(ص) صفیه و عاتکه و قبر حضرت ام البنین و قبر حضرت اسماعیل بن جعفر الصادق و قبر حضرت ابراهیم فرزند رسول الله(ص) و قبور تمامی اصحاب و تابعین و ارحام و ازواج رسول الله و صلحاء و ابراری که از حد احصاء بیرون است؛ همگی را خراب و با خاک یکسان کردند.

وهابیه در نظر داشتند با تقارن انهدام این قبور، قبر رسول خدا را خراب کنند و کعبه را نیز خراب کنند و با دستاویز به آنکه بوسیدن و دور زدن بر گرداگرد سنگ ها شرک است، خانه خدا را منهدم نمایند، ولی از ترس سایر مسلمین از فرق عامه جرأت نکردند اما هدم این دو مکان مقدس در نقشه ایشان است و به محض آنکه خیالشان از جانب کشورهای اسلامی آسوده گردد، دست به این جنایت می الایند.

وهابیه می گویند: بوسیدن ضریح مطهر رسول الله(ص) شرک است. ضریح از آهن است، بوسیدن آهن شرک است. تا چند سال پیش از این مردم را در بوسیدن خانه خدا و کعبه ازاد می گذاشتند؛ ولی در این چند سال اخیر، گرداگرد کعبه، پاسبانان و شرطه های آنان در هر جانب از کعبه، از پنج نفر و شش نفر تجاوز می کنند؛ و مجموعا بین بیست تا سی نفر هستند؛ به طرز وقیحی پشت به کعبه کرده و به آن تکیه می زنند؛ آنگاه با شلاق روی به طواف کنندگان نموده هر کس در هر نقطه بخواهد کعبه را ببوسد؛ می گویند: هذا حجر! هذا حجر! این سنگ است! بوسیدن سنگ شرک است! امران به معروف انها نیز در رکن عراقی و شامی و یمانی نیز پشت به کعبه به مردم می گویند: بوسیدن سنگ شرک است و اگر طائفی بخواهد لبان خود را بر آن سنگ هائی که رسول خدا گذارده؛ بگذارد و ببوسد، با تازیانه او را می زنند و می گویند: شرک است و هیچ بعید نیست که از بوسیدن خصوص حجرالاسود نیز مردم را منع کنند و سپس طواف را که مقدس ترین حال خضوع و تذلل در برابر صاحب بیت است، به عنوان شرک و دور زدن بر گرد سنگ های جامد و بی روح نیز بردارند!

وهابیه مکه و مدینه را که دو شهر اسلامی و متفق علیه بین جمیع مذاهب اسلامی است و زادگاه و محل هجرت و خانه و قرارگاه رسول الله(ص) است؛ و هر نقطه آن مسجدی و معبدی و محلی از سرگذشت ها و تاریخ زنده اسلام و آثار ولایت امیرالمؤمنین(ع) بوده است به دو شهر اروپائی تبدیل کرده اند. تمام آثار رسول خدا را و اهل بیت را چه در مکه و چه در مدینه محو کرده و نابود ساخته؛ به جای ان عمارت های ده اشکوبه ساخته و نخلستان های مدینه را که سر سبز و خرم بود؛ همه را قطع و ریشه کن نموده اند و به جای آنها عمارت های صد در صد وابسته بنا کرده اند.

در مدینه طیبه دیگر اسمی از محله بنی هاشم نیست؛ از خانه ابویوب انصاری نیست؛ بیت الاحزان را خراب کردند، دیوار مسجد علی را با صفحاتی پوشانده و در آن را مهر و موم کرده اند. مشربه ام ابراهیم را چه عرض کنم؟ ان محل شریف و مقدس؛ و ان محل نورانی و پر فیض؛ حقا امروز به مزبله اشبه است تا به مسکن و ماوای رسول خدا و اهل بیت رسول خدا، و مع ذلك متروک است و مقفول.

مسجد الفضیخ که همان مسجد رد شمس است؛ برای حضرت امیرالمؤمنین(ع) متروک است و مهجور؛ و حتی کسی نام ان را نمی داند. نام علی بن ابی طالب در خطبه ها و منبرها برده نمی شود؛ ولی ده ها بار و صدها بار نام سیدنا عمر برده می شود. اه چه شهر غریب و مهجوری است مدینه؟ مدینه که هر وجب ان حکایت از علم و عرفان و قضاء و درایت و ولایت و حماسه و ایثار یگانه حامی رسول الله، حضرت امیرالمؤمنین(علیه السلام) دارد امروز تاریک و غریب است. نام مخالفان هر جا برده می شود؛ ولی نام علی، قاجاق است!

بقیع به صورت زمینی است؛ نه سنگی و نه چراغی و نه اسمی و نه رسمی. دور تا دور بقیع را دایره های شکل از عمارت های مجلل چند اشکوبه بالا برده اند و حتی عمارت های ده اشکوبه فراوان است. فروشگاه ها، هتلها، سازمانها، مغازه های فروش همه گونه امتعه، از مرغ و ماهی گرفته تا ساندویچ و از جوراب و کفش تا طلاجات؛ همگی با تابلوهای نئون به صورت های مختلف و به اشکال شگفت آور و رنگ های دوار متفاوت، متاع های خود را عرضه می کنند؛ به طوری که کسی که سر قبر ائمه معصومین باشد؛ آن عمارت های بلند و آن تابلوها را مشاهده می کند.

اما قبور امامان ما چراغ ندارد؛ سنگ ندارد و حتی کسی نمی تواند بر روی تربتشان با انگشت بنویسد مثلا: هذا قبر الامام جعفر

الصادق. می دانید معنایش چیست؟! معنایش آن است که نام جعفرالصادق قاچاق است. نام محمد الباقر قاچاق است. وهابیه موجودیت خود را در قاچاق بودن این مذهب و این مکتب می دانند و برای موجودیت خود که در حقیقت هدم اسلام است می کوشند، چرا که تشیع جز تجسم روح اسلام و تبلور معنای نبوت و قران چیزی نیست....

امروز یهود متصلب و حتی فرقه شاخص آنها یعنی صهیونیسمها و تمام مسیحیان و بوداییان و پیروان مذهب کنفوسیوس و بت پرستان و به طور کلی همه و همه ملل و فرق در رفتن به معابدشان آزاد و در مناسک خود از احترام به پیامبرشان و محفوظ داشتن آثار انبیاء از قبر و خانه و مولد و منزل و مصدّر و مورد و غیرها می کوشند و در برابر مقدسات خود سر تعظیم فرود می آورند، ولی يك مسلمانى كه از آن طرف چین و تركستان و یا از جنوب هندوستان و یا از آفریقا و آسیا و اروپا برای يك بار در مدت عمر موفق به زیارت بیت الله الحرام می شود باید در پیروی از سنت رسول خدا، یعنی در بوسیدن ارکان اربعه كعبه (ركن حجرالاسود، و ركن عراقى، ركن شامى، ركن یمانى) و در بوسیدن مستحبار(محل در ورودى بیت الله برای تولد امیرالمؤمنین(ع) و در بوسیدن حطیم (بین ركن حجرالاسود و در كعبه) و در بوسیدن ملتزم (بین در كعبه و ركن عراقى) و در بوسیدن ضلع واقع در حجر اسماعیل، بالاخص در زیر ناودان مورد منع و زجر قرار گیرد و شلاق بخورد و چه بسا با محرومیت و آرزوی بوسیدن به وطن خود مراجعت کند.

همچنین نتواند ضریح و شباك قبر پیامبرش را ببوسد و نتواند قبر اوصیاء و امامان والا مقام را که از هر جهت به اعتراف جمیع مذاهب اربعه آنان، از طهارت و سیادت و علم و عرفان و وصایت و ولایت مقام تقدم را دارند؛ ببوسد و اظهار تعظیم و تکریم نماید. این نیست مگر از روی نقشه صریح و بررسی شده دول کفر و استعمار که در پیش تاختن برای هدم مبانی دینی و کسر صولت حق و محو و طمس آثار اولیای اسلام تا این سرحد ترکتازی می کنند.

سعودی ها همانند پهلوی، کمر خود را برای هدم اسلام بسته اند

خراب کردن قبور امامان والا مقام و اوصیای رسول الله، در بقیع به دست سعودی ها درست در وقتی صورت گرفت که بر هر يك از کشورهای اسلامی، یکی از دیکتاتورهای بنده و برده و سر سپرده و ناموس فروخته خود را گماشتند. در ایران رضاخان میرپنج سردار سپه را و پس از آن رئیس الوزراء بلافاصله به مقام سلطنت نشانند. در ترکیه، مصطفی کمال پاشا (اتاترك) را و در عراق ملك فیصل پدر ملك غازى را، و در مصر ملك فؤاد پدر ملك فاروق را و همچنین در سایر کشورها.

در آن وقت که خبر تخریب قبور ائمه بقیه به ایران رسید؛ شیعیان جگر سوخته و عاشق این سرزمین که خود از جهت امر داخلی خود و فشار سخت دیکتاتور تازه پا به میدان گذارده، قدرت بر حرکت نداشتند؛ کجا می توانستند فکری برای بقیع کنند؟ این از نظر ملت. و اما از نظر دولت، خود دولت با سعودی ها در التزام و تعهد به اجانب در هدم دین جهت مشترك داشتند. نهایت کاری که مردم می کردند تشکیل مجالس عزاداری و اجتماع در خانه علماء و بالمال تلگرافی که احیاناً در ابراز تأسف به علمای نجف و کربلا مخابره می شد....

باری از آنچه ما در اینجا بیان کردیم؛ به خوبی روشن می شود که چقدر گفتار وهابی مسلک های تازه به دوران رسیده کشور ما و جوجه ماشینی های ماشین سعودی و وهابیه که از آنجا تغذی می کنند، عفن و بدبو و نا زیبا و کریه است.

اینها می گویند: نماز خواندن بر سر قبر امامان جایز نیست؛ بوسیدن در و دیوار ضریح، بوسیدن چوب و سنگ و فلز است. این گنبدهای طلا و درهای طلا و صندوق های خاتم به چه درد امام می خورد؟ آنها را اگر صرف فقراء و امور خیریه و فرهنگ کنیم بهتر است. توسل به امام شرك است. زیارت امام، زیارت مرده است. امام با سایر مردم تفاوت ندارد. پیغمبر چون از دنیا رفت، مرده ای بیشتر نیست.

جواب آن است که بحمد الله و المنة دوره این یاوه سرائی ها سر آمده است. خیانت شما در این مغالطه ها ظاهر است و اصولاً چون شما مردمی دروغگو و دروغ پردازید و امثال و اشباهی از خیانت های شما برای مردم بر ملا شده است؛ دیگر نه دانشجو گوش به سخن شما می دهد؛ نه دانش آموز، نه بازاری، نه روفتگر کوچه.

جواز ساختن قبور ائمه علیهم السلام(ع) و اهداء فرش و چراغ

بوسیدن قبر امام همانند بوسیدن قرآن و دست عالم، بوسیدن روح امام است و تواضع به عظمت مقام او.

گر میسر نشود بوسه زدن پایش را هر کجا پای نهد بوسه زدن جایش را

بر زمینی که نشان کف پای تو بود سالها بوسه گاه اهل نظر خواهد بود

نماز خواندن بر سر قبر امامان نه تنها جایز است؛ بلکه ثواب دارد؛ آن هم ثوابی که هیچ ثوابی به پای آن نمی رسد. این گنبدهای طلا و درهای نفیس همانند جواهرات كعبه، نه از مال مسلمین است که به وراثت برسد؛ نه از خمس است که در مصارف خود خرج شود، نه از زکات و صدقات است که باید به مصارف معین و موارد هشتگانه برسد و نه غنائم جنگی و فی است که مصرفش مشخص شده است؛ ملك طلق افرادی بوده که برای كعبه و امام و امامزاده وقف کرده اند. وقف را شرع مقدس صحیح شمرده و امضاء کرده است و هدیه را قبول نموده است.

در این صورت شخصی که با عشق خود در مدت عمر رنج برده و قالیچه ای بافته و یا فلان زن اصفهانی و یا یزدی و یا کاشانی و غیره عمری را زحمت کشیده و برای روی مرقد مطهر يك روپوش چشمه دوزی و یا ملیله کاری و یا سایر اقسام سوزن کاری و کارهای دستی نموده؛ آیات قرآن که در شان اهل بیت(علیهم السلام) نازل شده و اشعار عربی و فارسی را به روی آن با شیواترین خطی مشبك نموده است - و این حاصل عمر را که در هر يك از نمایشگاه های جهان بگذارند؛ چشم ها را خیره می کند و به به و آفرین می گویند و راضی هستند به قیمت های گزاف بخرند - برای عالی ترین معشوق روحانی و معنوی یعنی به امام خود

هدیه می کند و چون دستش به او نمی رسد بر مرقدش پهن می کند. شما می گوئید: هدیه نکند. چه کند! یا به فلان شاه و رئیس جمهور پیشکش کند و یا بفروشد و یا به خائینی امثال شما بدهد. شماها به این راضی هستید؛ و به آن راضی نیستید؟! مراقد ائمه طاهرین، مأمّن و ملجأ مردم است. همان طور که در مشکلات زندگی و مصائب روزگار بدان روی می آورند؛ دوست دارند بهترین و پاکترین ثمره خود را هدیه کنند، لهذا طلا خود را می دهند؛ کتب نفیس خود را می دهند؛ عصا و شمشیر خود را می دهند.

از طرفی این اشیاء خواهی نخواهی مور استفاده تمام زائرین؛ بلکه مؤمنین قرار خواهد گرفت؛ و از طرفی دیگر محفوظ می ماند و از دستبرد گرگانی همچون شما در لباس میش حفظ می شود و دیگر نمی توانید به خارج بفرستید و زینت موزه ها و کتابخانه های کشورهای کفر بنمائید!

و علی کل تقدیر چون تصرفش حرام است باید به همین منوال باقی باشد و کسی حق تصرف در آنها را ندارد. و اگر تصرف کند دزدی است مثل آنکه پرده در حرم را بدزد و یا اجر و کاشی منصوب بر دیوار را بردارد؛ زینت کردن مساجد جائز نیست؛ نه مراقد ائمه (ع). مسجدی هم که در جنب مرقد است؛ اگر شرعاً صیغه مسجد بر آن خوانده باشند؛ باید ساده باشد. آیات قرآن را با خطوط غیر طلا اگر در مساجد هم بنویسند ضرری ندارد و زینت شمرده نمی شود.

نماز خواند در قبرستان و در بین قبور کراهت دارد؛ مگر از هر طرف قبر تا 10 ذراع (تقریباً پنج متر) فاصله باشد و سجده کردن بر قبر حرام است. ولی قبور ائمه معصومین (ع) از این قاعده عمومی مستثنی است؛ البته سجده بر قبر امام هم جایز نیست؛ ولی گونه راست را گذاردن مستحب است و نماز خواندن در کنار قبر امام از افضل طاعات است، بالاخص در بالای سر متصل به قبر و در پائین پا و پشت سر هم خوب است، اما در جلوی قبر به طوری که در حال نماز قبر پشت سر نمازگزار قرار گیرد؛ خلاف ادب است. اینها تمام مسائل فقهی است که در روایات وارد است.